

همشهریان گرامی!

عزیزی بانک افتخار دارد که به سلسله نو آوری های پیهم در عرصه بانکداری اینبار محصول جدید خویش را با ویژگی های خاص به شما معرفی میکند. حساب ویژه برای شرکت ها، حساب پس انداز برای بزرگسالان، حساب پس انداز برای کودکان؛ عزیزی بانک تنها بانک است که در تمام سنین و موقعیت های شغلی به شما می اندیشد.



www.azizibank.af

1515

استاد سیاف در واکنش به طرح حکمتیار:

تا زنده هستیم کشور را کسے تجزیه نمے تواند



صفحه ۳

دلخوری ملل متحد از بی برنامه گی در کار برگزاری انتخابات



نماینده ویژه دبیرکل ملل متحد برای افغانستان خواهان انتخابات شفاف و به موقع پارلمانی و ریاست جمهوری در افغانستان شد.

تدامچی یاماموتو روز پنجشنبه (۱۷ حوت) در جریان سخنرانی اش در نشست شورای امنیت ملل متحد که در مورد افغانستان برگزار شده بود، گفت که آمادگی های لازم برای برگزاری انتخابات در افغانستان صورت نگرفته است.

تدامچی همچنین افزود که عدم پیشرفت برای برگزاری انتخابات و انتقاد ها در مورد کارکرد کمیسیون مستقل انتخابات افغانستان، موجب شد تا رئیس کمیسیون انتخابات آن کشور از موقف اش برکنار شود.

آقای یاماموتو تاکید کرد که برگزاری انتخابات شفاف و به موقع می تواند از یک سو اعتبار کمیسیون های انتخاباتی افغانستان را اعاده کند و از سوی دیگر، چنین کار لازمه تطبیق قوانین در آن کشور است.

آقای یاماموتو افزود: «برگزاری انتخابات به موقع، قابل اعتماد و قابل قبول برای نظم قانون اساسی ضروری است.»

هفته گذشته، محمد اشرف غنی رئیس جمهور ضمن تاکید بر استقلالیت کمیسیون های انتخاباتی و اجتناب از هر گونه گرایش سیاسی و تصرفات غیرمسلکی این کمیسیون ها گفت که حکومت وحدت ملی مکلف به فراهم آوری منابع لازم برای برگزاری انتخابات است.



۲ صفحه سال هشتم شورا با کدام مجوز قانونی؟



۴ صفحه امنیت شورا د افغانستان په سوله کې د سیمه ییزو لوبغاړو پر همکاری ټینګار وکړ



۶ صفحه تلفات سربازان نیروهای امنیتی در تخار ۱۷ پولیس کشته و ۱۳ تن زخم برداشتند

مهم است، بازتاب آرا و افکار آنان در امر مردم داری و حکومت داری و درس و عبرت گرفتن از کارنامه های آنان است. آقای مسعود می گوید که مشارکت و هم دیگری، یگانه راه حل بیرون رفت از نابسامانی های جاری در کشور است. رئیس عمومی بنیاد شهید احمدشاه مسعود به این باور است که در کنار گروه های تروریستی، «قطب بندی های قومی»، «تعصب»، «تفرقه افگنی» و «تبعیض سیستماتیک»، سرسخت ترین دشمن مردم افغانستان است.

او می گوید که «تبعیض سیستماتیک» در برابر بخشی از مردم افغانستان به هدف خاصی صورت می گیرد که دوام آن به «خیر و فلاح مملکت و حتا دست اندرکاران این توطیه» نخواهد بود. آقای مسعود با اشاره به این که «مشارکت» و «هم دیگری»، فرمول های زیبایی برای حل مشکلات تبعیض و تعصب است، اظهار داشت: «یادمان باشد که روزی طالبان فرو خواهند خورد، اما چیزی که بسیار خطرناک و وحشتناک است، عصبیت های قومی و تفرقه مذهبی و زبانی است که باید پیش از پیش جلوش گرفته شود.»

به گفته احمدولی مسعود، نیاز است تا به جای انحصارگرایی و تمامیت خواهی، مشارکت و به جای تعصب و تبعیض، هم دیگری به میان بیاید. او تاکید دارد که مردم با هم...

ادامه صفحه ۶

احمدولی مسعود: مشارکت و هم دیگری تنها راه حل است استاد محقق: مناطق مرکزی از حصار بیرون شوند



را جاگزین تعصب و تبعیض سیستماتیک کنند. همزمان با این، محمد محقق می گوید که سران حکومت وحدت ملی باید به وعده های دوران کارزارهای ریاست جمهوری شان عملی کنند. احمدولی مسعود، رئیس عمومی بنیاد شهید احمدشاه مسعود در این مراسم گفت که آنچه در امر گرامی داشت از شهدا

ماندگار: از بیست و سومین سال روز شهادت عبدالعلی مزاری، رهبر سابق حزب وحدت اسلامی افغانستان در کابل با حضور داشت بزرگان جهاد، مقام های برحال و پیشین حکومتی و هزاران تن از باشندگان کابل یادبود شد. احمدولی مسعود در این مراسم گفت که سران حکومت باید مشارکت ملی را جاگزین انحصارگرایی و هم دیگری

احمد عمران



سخن ماندگار

وفاق ملی نانوشته در برابر سیاست‌های ارگ

روز جمعه گذشته، کابل شاهد تجلیل و یادبود از دو شخصیت سیاسی کشور بود. مراسم یادبود از درگذشت مارشال فهیم، معاون پیشین رییس‌جمهور در تالار لویه جرگه و مراسم یادبود از کشته شدن عبدالعلی مزاری رهبر فقید حزب وحدت اسلامی افغانستان در «مصلاهی مزاری» در غرب کابل. در هر دوی این مراسم، سخنرانان به توصیف هر دو شخصیت سیاسی کشور پرداختند و کارنامه‌های آنان را یادآوری کردند اما نکته مهم این بود که قریب به اتفاق سخنرانان این دو مجلس، از کارکردهای دولت وحدت ملی انتقاد کرده و گفتند که سیاست‌های تبعیضی و حرکت‌های نفاق‌افکنانه از آدرس مدیریت سیاسی کشور، افغانستان را به مرحله خطرناکی سوق داده است. اتفاق نظر سخنرانان این بود که دولت آقای غنی دارد روی طرح‌هایی کار می‌کند که دیگر به نفع نظام و کشور نیست؛ از جمله بحث واگذاری چندین ولایت برای طالبان و سیاست‌های غیرمنصفانه‌ی با این محتوا که یک ملت قربانی بدهد و دیگری حاتم‌بخشی کند.

سیاست‌های حکومت ولو زیر نام صلح، برای مردم پرسش‌برانگیز و غیرقابل اعتماد شده و حتا آه و افغان متحدانش را نیز بلند کرده است. این وضعیت، نشان می‌دهد که سیاست‌های حکومت آقای غنی به شدت متأثر از انگیزه‌های نفاق‌افکنانه به خیال باطل جای پا باز کردن برای خود در بین یک قوم خاص است. حال آن‌که این رویکرد به شدت مورد انتقاد همه نخبه‌گان از همه اقوام شریف کشور قرار گرفته است. در برابر چنین سیاستی اما طرح‌های مختلفی نیز ارایه شده است همین اکنون، بیشتر جریان‌ها و شخصیت‌ها چه در داخل و چه هم در بیرون حکومت آقای غنی، در برابر برنامه‌های وی قد علم کرده‌اند و همه در صدد ارایه طرح‌هایی به هدف تغییر وضعیت برآمده‌اند.

این نشان می‌دهد که واکنش‌های یکسان در سرتاسر افغانستان در برابر سیاست‌های شدیداً انحصارگرایانه و تک‌روانه ارگ شکل گرفته است. این واکنش‌ها در صورتی که انسجام یابند، می‌تواند فشاری باشد برای اصلاح سیاست‌های آقای غنی و یا هم جرقه‌ی برای ارایه یک بدیل.

اکنون آقای غنی با سیاست‌های به شدت قومی و در عین حال مافیایی و انحصارگرایانه‌اش، سبب شده که همه گروه‌ها و جریان‌های سیاسی به نحوی از انحا در برابر آن عرض اندام کنند. این خود فرصتی را برای این جریان‌ها مساعد می‌سازد تا در برابر آن، به یک صف‌آرایی درست و منطقی دست بیابند. چنان‌که هم‌اینک نیز احساس می‌شود که جریان‌های سیاسی در برابر سیاست‌های آقای غنی، به یک وفاق ملی اعلان‌نشده دست یافته‌اند؛ اما خوب است که همه این حرکت‌ها و واکنش‌ها در محور یک سلسله مشترکات بسیج گردند تا در نهایت، به یک وفاق ملی اعلان‌شده در برابر کارنامه‌های منفی ارگ دست یابند.

این مهم، به مردم افغانستان این نوید را می‌دهد که دیگر هیچ حاکم و زمام‌داری نمی‌تواند به خواست ملت بی‌توجه باشد و با بازی‌های قومی، کشور را به سمت بی‌ثباتی و تجزیه سوق دهد. هم‌اکنون خطراتی که از ناحیه سیاست‌های ارگ و حلقه انحصارطلب آن افغانستان را تهدید می‌کند، به مراتب جدی‌تر از خطرات امنیتی و نظامی‌ی است که از سوی طالبان بر ما وارد می‌شود. تدوین سیاست‌های تبعیض‌آمیز و داغ ساختن اختلافات قومی و تباری توسط ارگ، منشای تمام بی‌نظمی‌ها و نابسامانی‌های سه‌ونیم سال اخیر است. باید این سیاست‌ها متوقف گردند و ارگ از محاصره توطیه‌گران تمامیت‌خواه بیرون شود. این رسالت نخبه‌گان، سیاسیون و همه جریان‌های سیاسی و تأثیرگذار کشور است که در برابر وضعیت موجود، زیر چتر «وفاق ملی» گرد آیند و از اتفاقات دلهره‌آوری که در آینده گریبان افغانستان را خواهد گرفت، پیش‌گیری کنند.

سال هشتم

شورا با کدام مجوز قانونی؟

روز چهارشنبه هفته گذشته، شورای ملی افغانستان سال کاری تازه خود را آغاز کرد. با آغاز این سال، مجلس نماینده‌گان به صورت بی‌پیشینه وارد هشتمین سال کاری خود شد. دور شانزدهم مجلس نماینده‌گان حالا هیچ مشروعیت قانونی ندارد و تنها می‌تواند نمایشی از تقسیم قوا در کشوری باشد که گویا بر اساس ارزش‌های دموکراتیک بنا یافته است.

ارگ ریاست‌جمهوری در سه سال گذشته بدون آن‌که انتخابات برگزار کند، دور شانزدهم مجلس را بدون هیچ‌گونه اساس قانونی ادامه داد و حالا کار را به جایی رسانده است که شخص رییس حکومت، خود با حضور در گشایش سال جدید کاری، این بی‌قانونی را تأیید می‌کند. به فرض اگر در افغانستان شرایطی به میان آید که در سال آینده نیز انتخابات برگزار نشود - که احتمال آن نیز بسیار زیاد است و از حالا می‌توان احساس کرد که خلاف وعده‌های داده شده، ممکن که در سال آینده شاهد هیچ انتخاباتی نباشیم - آیا بازهم ریاست‌جمهوری سال نهم و همین‌طور سال دهم و یازدهم مجلس را تمدید خواهد کرد؟ آیا سران حکومت و به‌ویژه آنانی که فرمان به ادامه کار مجلس داده‌اند، می‌توانند ثابت سازند که برخورد آن‌ها با انتخابات و گشایش سال جدید کاری مجلس، مبنای قانونی دارد؟

در قانون اساسی افغانستان صراحت یافته که مجلس نماینده‌گان فقط برای یک دوره پنج‌ساله انتخاب می‌شود و نه هشت یا نه‌ساله. اگر گفته شده که پس از پنج سال با برگزاری انتخابات کار مجلس پایان می‌گیرد، به این معناست که پس از پنج سال که کار مجلس نماینده‌گان پایان یافت، از راه انتخابات باید نماینده‌گان تازه وارد مجلس شوند و نه با امر و یا فرمان کسی. اما این بند از قانون اساسی همواره بد تفسیر می‌شود و این تفسیر من‌درآوردی سبب شده است که حکومت بار ممت‌کمتری را در این مورد بکشد. در حالی که چنین نیست و پس از پنج سال کاری، عملاً کار مجلس نماینده‌گان چه انتخابات انجام شود و چه نشود، از نظر قانونی مشروعیت خود را از دست می‌دهد.

برخی‌ها استدلال می‌کنند که از نبود مجلس نماینده‌گان، وجود همین مجلس غیرقانونی بهتر است. شاید این توجیهی برای وضعیت به وجود آمده با توجه به مشکلات امنیتی و مالی افغانستان فراهم کند، ولی به هیچ صورت به معنای آن بوده نمی‌تواند که مجلس نماینده‌گان از مشروعیت قانونی برخوردار است و فیصله‌های آن هیچ‌گونه مشکل قانونی ندارد. برخی‌های دیگر استدلال می‌کنند که اگر باز

انتخاباتی برگزار می‌شد، اکثر همین افراد و یا افرادی شبیه به آن‌ها به مجلس نماینده‌گان راه می‌یافتند. این هم درست است که ممکن بخش بزرگی از اعضای فعلی مجلس که از دوره‌های حتا پانزدهم در مجلس حضور دارند و دیگر آن را مایملک شخصی خود فکر می‌کنند، بار دیگر با همان ترفندهایی که در دوره‌های قبلی خود را به مجلس رساندند، دوباره عضو مجلس شوند؛ ولی این نیز زمانی میسر است که انتخابات در کشور برگزار شود و آن‌ها دوباره رای مردم را اصطلاحاً به دست آورند.

بازی‌های دموکراتیک تا زمانی که شکل واقعی و حقیقی به خود بگیرد، با چنین آفت‌وخیزهایی رو به روست، ولی همین بازی‌هاست که جوامع را در برابر حاکمان‌شان حساس و حاکمان را به پاسخگویی مجبور می‌سازد. در جایی خوانده بودم که دموکراسی یعنی نظامی که می‌توان افراد اوباش و راه یافته بر سکوی قدرت را از راه‌های قانونی دور انداخت. کارل پوپر نیز همیشه این سخن را که گویا به وینستون چرچیل نخست‌وزیر شوخ‌طبع بریتانیا تعلق دارد، تکرار می‌کرد که: «دموکراسی نظام بدی است منهای نظام‌های بدتری که در جهان می‌توانند وجود داشته باشند.»

آقای غنی با گشایش سال هشتم کاری مجلس، هدف‌های خاصی را دنبال می‌کند که مهم‌ترین آن‌ها می‌تواند از این قرار باشند: نخست، می‌خواهد که با حضور در مجلس نشان دهد که او همچنان رییس‌جمهوری افغانستان است و هر تصمیمی که بگیرد، آن را اجرایی می‌سازد.

دوم، به احتمال زیاد آقای غنی از بخش بزرگی از اعضای مجلس تعهد گرفته که در صورت ادامه کار آن‌ها، مطابق به برنامه‌های وی عمل کنند.

سوم، آقای غنی خود در وضعیت مناسبی از نظر مشروعیت قانونی قرار ندارد و براساس برخی محاسبات، تا کمتر از هشتاد روز دیگر زمان کاری او بر اساس قانون پایان می‌یابد و برخی از سیاسیون با توسل به همین موضوع، خواهان کنار رفتن او از قدرت هستند. با توجه به چنین وضعیتی، آقای غنی می‌کوشد که راهی برای باقی ماندن خود نیز در قدرت حتا در صورت برگزار نشدن به موقع انتخابات بعدی ریاست‌جمهوری فراهم سازد.

چهارم، آقای غنی در داخل حکومت نیز وضع خوبی ندارد و بخش‌های وسیعی از کارگزاران حکومت در کابل و برخی ولایت‌ها از او بریده‌اند. در چنین وضعیتی باید تمسکی قانونی برای خود فراهم سازد که حداقل بار مشکلات او را

آقای غنی متأسفانه متوجه چنین اوضاعی نیست و فکر می‌کند که تا هر زمان ممکن می‌تواند بر سکوی قدرت باقی بماند و به کارش ادامه دهد. کل نقشه آقای غنی معطوف به طرح به اصطلاح صلح اوست که به طالبان پیشکش کرده و فکر می‌کند در سال آینده معجزه‌ی بی‌وقوع می‌پیوندد و طالبان به صورت حزب سیاسی در داخل افغانستان به جای جنگ، مصروف فعالیت‌های حزبی و سیاسی می‌شوند. چنین چیزی اگر نگوییم که غیرممکن خواهد بود، ولی به احتمال زیاد کسانی که به برنامه صلح آقای غنی لبیک خواهند گفت، افرادی نخواهند بود که تأثیری بر روند جنگ در افغانستان داشته باشند؛ همان‌گونه که با پیوستن حکمتیار به روند صلح نه تنها که از بار جنگ کاسته نشد، بل به صورت کم‌سابقه افزایش نیز پیدا کرد

کمتر ساخته و در برخی مواقع با پادرمیانی و یا بلند کردن صدا در برابر مخالفان حکومتی او، از او حمایت کنند.

با توجه به این نکات، نمی‌توان از مجلس فعلی نماینده‌گان توقع تصویب قوانین و نظارت بر کارکرد قوه مجریه را داشت. این مجلس در بهترین حالت، آلت دست ارگ خواهد بود تا برنامه‌های سیاسی خود را از مجرای آن صورت قانونی ببخشد. احتمال این‌که بحران مشروعیت در سال آینده در افغانستان غایب‌آفرین شود، وجود دارد. اگر ارگ نتواند بر مشکلات درونی خود فایق آید و همچنان تعداد مخالفان خود را افزایش بخشد، بدون شک احتمال حتا گسستن برخی ولایت‌ها از بدنه حکومت مرکزی به قوت خود باقی است. در چنین وضعیتی، افغانستان به سمت هرج و مرجع خواهد رفت که مهار آن بسیار مشکل خواهد بود.

آقای غنی متأسفانه متوجه چنین اوضاعی نیست و فکر می‌کند که تا هر زمان ممکن می‌تواند بر سکوی قدرت باقی بماند و به کارش ادامه دهد. کل نقشه آقای غنی معطوف به طرح به اصطلاح صلح اوست که به طالبان پیشکش کرده و فکر می‌کند در سال آینده معجزه‌ی بی‌وقوع می‌پیوندد و طالبان به صورت حزب سیاسی در داخل افغانستان به جای جنگ، مصروف فعالیت‌های حزبی و سیاسی می‌شوند. چنین چیزی اگر نگوییم که غیرممکن خواهد بود، ولی به احتمال زیاد کسانی که به برنامه صلح آقای غنی لبیک خواهند گفت، افرادی نخواهند بود که تأثیری بر روند جنگ در افغانستان داشته باشند؛ همان‌گونه که با پیوستن حکمتیار به روند صلح نه تنها که از بار جنگ کاسته نشد، بل به صورت کم‌سابقه افزایش نیز پیدا کرد.

استاد سیاف در واکنش به طرح حکمتیار:

تا زنده هستیم کشور را کسے تجزیه نمے تواند

روح الله بهزاد



سوی گلبدین حکمتیار، رییس شاخه حزب اسلامی مطرح شده است، طرح ناکام است. این رهبر جهادی، طرح آقای حکمتیار را «میخ ملا نصرالدین» می خواند و می گوید: «منطقه یی اگر به طالبان واگذار شود، آن منطقه امن نام نمی گیرد، منطقه فساد نام می گیرد، آن منطقه خطرناک می شود. از جیب ملت کسی کته بخشی نکند، این که باید فلان ولایت به طالبان واگذار شود. تا زمانی که ما زنده هستیم، کسی این کشور را تجزیه کرده نمی تواند». رییس شورای حراست و ثبات از طالبان می خواهد تا «با مردم کنار بیایند» تا با این کار، زمینه برای شان فراهم شود که «صاحب تمام افغانستان» شوند. او هم چنان از سیاستمداران می خواهد تا «سلیقه های شان را بالای دین و مذهب» تحمیل نکنند. آقای سیاف به این باور است که حلال و حرام دین مشخص است و نباید برداشت شخصی افراد به دین برچسپ زده شود. نبود مارشال محسوس است در عین حال، عبدالرووف ابراهیمی، رییس مجلس نماینده گان می گوید که مارشال فهیم به سبب درایت و فهمیده گی اش، هم در دوران جهاد و مقاومت و هم در نظام جدید پساتالبان، در محور تصمیم گیری های قرار داشت. آقای ابراهیمی می افزاید که نبود مارشال فهیم در تمام عرصه های دولت داری کشور محسوس است و در فقدان حضور او، شرایط سیاسی کشور مسیرهای پیچیده یی را پیمود و امنیت برهم خورد. در سوی دیگر، فضل هادی مسلمیار، رییس مجلس

قومی در میان مردم، نشانگر «ناآگاهی از وضعیت و عدم تعهد واقعی به آرمان ها مردم و عدالت» است. داکتر عبدالله می گوید که فرصت های زیادی از کنفرانس بن تا کنون از دست سیاستمداران رفته است و هنوز هم سیاستمداران فرصت سوزی می کنند. او می گوید: «در حالی که دستاورها و پیشرفت هایی است، اما کشور ما در خطرناک ترین حالت قرار دارد؛ اگر یک غفلت دیگر صورت بگیرد و ما به طرف تفرقه قومی و بی عدالتی برویم، چیزی که دوباره سبب وحدت ما شود، وجود نخواهد داشت». رییس اجرایی حکومت وحدت ملی اظهار امیدواری کرد که جنگ کنونی کشور پایان پیدا کند. او گفت که باید پیام های سیاسی به طالبان واضح باشد تا در آینده سبب ایجاد مخالفت و تشویش برای طرف ها نشود. به گفته داکتر عبدالله، هیچ راه دیگر برای تعدیل قانون اساسی به جز برگزاری «لویه جرگه» که تعریف شده می باشد، وجود ندارد. او می گوید: انتخابات یک «اصل» است که با قربانی های فراوان مردم به دست آمده و نباید آن را بی اعتبار بسازیم. داکتر عبدالله با بیان این که حکومت وحدت ملی اعتماد مردم را به برگزاری انتخابات ایجاد کرده نتوانسته است، اظهار داشت: مردم نگران اند که اگر انتخابات پیشرو مانند انتخابات گذشته باشد، کشور به بحران می رود. **کشور همیشه با دسیسه روبرو است**

از چهارمین سال یاد درگذشت مارشال محمدقسیم فهیم، از فرماندهان جهادی و معاون ریاست جمهوری حکومت پیشین در یک مراسم ویژه با حضور سران جهادی، سیاستمداران حکومت وحدت ملی و حکومت پیشین، مقام های بلند پایه حکومتی و هزاران تن از شهروندان در کابل گرامی داشت شد. سخنرانان این مراسم از مارشال محمدقسیم فهیم به عنوان چهره یی یاد کردند که همواره در کنار مردم بود و تا آخر عمر در مسیر دین و وطن گام گذاشت. محمد اشرف غنی، رییس حکومت وحدت ملی در پیامی که به این مراسم فرستاده بود، گفت مارشال فهیم یکی از چهره های نامداری است که نام و یادش در تاریخ معاصر کشور ما به جاودانه گی ثبت شده است. **تعهد بزرگان عامل ماندگاری شان است** محمد اشرف غنی با بیان این که «میزان تعهد بزرگان» سبب ماندگاری شان می شود، می گوید: «مرحوم مارشال فهیم یکی از این شخصیت های عیار و نامدار این سرزمین بود که در روزهای سخت در کنار مردمش قرار داشت، در جهت همدلی اقشار مختلف ملت ما تلاش ورزید، برای استقرار نظام و دولت داری در افغانستان جد و جهد نشان داد و تا آخرین روزهای حیاتش با احساس مسوولیتی که درخور یک شخصیت ملی است، رفتار کرد». رییس حکومت وحدت ملی در قسمتی از پیامش گفته است، کشورهایی که گرفتار «مصیبت تهاجم خارجی و بحران های داخلی» می شوند، در معرض آسیب های شدیدی قرار می گیرند و یکی از آسیب هایی که همه هستی آن را به چالش مواجه می سازد، پیدایش «شکاف های داخلی و سست شدن شیرازه انسجام و وحدت ملی» است. در بخش دیگر پیام محمد اشرف غنی گفته شده است که آباد کردن ویرانی های به جا مانده از جنگ، سروسامان دادن به شرایط اقتصادی، غلبه بر فقر و بیکاری، به کار انداختن چرخ صنعت و ده ها کار دیگر امکان پذیر می شود، «به شرط آنکه نیروهای ملت در مسیر منافع علیای کشور متحدانه به کار بیفتند، وحدت صف محفوظ بماند، تشمت و پراکنده گی از میان رخت بریندد و جایی برای نزاع های بیهوده و کمشک های زیان بار نماند».

تا زنده هستیم اجازه تجزیه نمی دهیم از سوی هم، استاد عبدالرب الرسول سیاف، رهبر جهادی و رییس شورای حراست و ثبات می گوید که در مورد مجاهدین، قول حضرت پیامبر (ص) برای ما سند است که می گوید: پاهایی که در راه خدا گردآلود شده باشد، آتش جهنم به آن نمی رسد. مارشال فهیم یک مجاهد و پاهایش همیشه گردآلود بود. آقای سیاف بیان می دارد که مارشال فهیم بازوی راست و امین قهرمان ملی کشور بود و برای رسیده گی به بسیار مسایل خطیر و مهم، شهید احمدشاه مسعود او را می فرستاد. او با بیان این که «قوم ما را به جنت نمی برد»، اظهار داشت که مسلمان به تفرقه و حساسیت های قومی دامن نمی زند. آقای سیاف می گوید: «اتحاد شمال، نام مجاهدین نبود، بلکه این نام بالای مجاهدین تحمیل شده بود؛ دشمن می خواست زمینه تفرقه را با این نام فراهم کند که به هدف نرسید». آقای سیاف به این باور است که طرح «ولایت های خودمختار» به طالبان یا طرح «ولایت صلح» که از

در بدترین حالت قرار داریم همزمان با این، داکتر عبدالله عبدالله، رییس اجرایی حکومت وحدت ملی در این مراسم گفت که مارشال فهیم زنده گی اش را وقف خدمت به مردم کرده بود و با تمسک به آیه قرآن کریم و حکم خداوند، گفته می توان که مارشال فهیم زنده است. داکتر عبدالله می گوید که مارشال محمدقسیم فهیم عطف توجه به وحدت و جلوگیری از بازگشت افغانستان به گذشته های خونبار داشت و تلاش می ورزید میان مردم تفرقه به میان نیاید. رییس اجرایی حکومت وحدت ملی، کشور را آبیستن تفرقه می داند و می گوید که بیشتر شدن عصبیت های

سنا به این باور است که امنیت نسبی و نظام جدید و این که هزاران تن در مراسم گرامی داشت از سال یاد مارشال فهیم گردهم آمده اند، همه از برکت مارشال فهیم و چهره های مانند او است. **سلیقه های شخصی کنار گذاشته شود** همچنان، عبدالهادی ارغندیوال، رییس حزب اسلامی در این مراسم گفت که مردم افغانستان نیازمند وحدت اند و کسانی که صدای اختلاف را بلند می کنند، «آب به آسیاب دشمن» می اندازند و خواهان «دوام اشغال» افغانستان هستند. آقای ارغندیوال به مردم افغانستان «التماس» می کند تا در کنار هم قرار گیرند و جلو حاکمیت «ملوک التوائفی» در کشور را بگیرند. او می گوید: «افغانستان در شرایط حساسی قرار دارد. جامعه جهانی می خواهد افغانستان شاهد صلح باشد، اما به هیچ صورت نمی خواهد نظام مبتنی بر اراده مردم، حامی حاکمیت ملی و حافظ منافع ملی این کشور حاکم باشد. آنان می خواهند هرچه را دوست دارند، از این کشور ببرند و هرگونه که بخواهند، حاکمیت کنند». رییس حزب اسلامی در حالی که از گروه و یا کشوری نام نمی برد، اما می گوید آنانی که جنگ را در افغانستان شعله ور ساخته اند، در پی کسب سرمایه هستند و تا کنون میلیاردهای دالر سرمایه از این درک به جیب زده اند. او تأکید دارد که در امر حکومت داری و نظام داری باید سلیقه های شخصی کنار گذاشته شده و منافع عمومی مردم در نظر گرفته شود. **مارشال به همدیگر پذیری باور داشت** ادیب فهیم، پسر ارشد مارشال فهیم در این مراسم گفت که مارشال فهیم به صلح و مصالحه به عنوان یک «اصل» باور داشت. آقای فهیم می افزاید که مارشال افغانستان معتقد بود که برای رسیدن به یک افغانستان آباد، آزاد و مرفح راهی جز مصالحه وجود ندارد. پسر ارشد مارشال فهیم تأکید دارد که مارشال فهیم به این باور بود که باید مذاکره و مصالحه از موضع قدرت صورت بگیرد و مردم هم در این ارتباط اجماع داشته باشند. به گفته رییس عمومی بنیاد مارشال فهیم، مارشال افغانستان اعتقاد راسخ به حمایت از نظامی داشت که خود یکی از بنیان گذاران آن بود. ادیب فهیم می گوید: «مارشال کشور به همدیگر پذیری به عنوان مهم ترین مسأله برای گذار از بحران کشور باور راسخ داشت. در شرایط امروز که ما با بحران های سیاسی، امنیتی و اجتماعی روبه رو هستیم، بیشتر از هر زمان دیگر، نیاز به همدیگر پذیری داریم، اما همدیگر پذیری زمانی مفهوم پیدا می کند، همه شمول باشد، همدیگر پذیری یعنی عبور از حالتی که طرف قربانی دهد و طرف دیگر عقده گشایی کند».



بخش نخست

محمد محسن شاهکویبی

از آنجا که سیاست اجرای فلسفه در عمل است و فلسفه (یا جهان بینی) ذات سیاست؛ از این رو ماهیت هر فلسفه‌یی را به‌طور اعم و فلسفه‌های دیگر را به‌طور اخص نمی‌توان شناخت مگر در عمل سیاسی. زیرا تنها در عمل است که ذات فلسفه‌ها یعنی منافی که خاستگاه آن‌هاست، عیان می‌شود و بد و خوب آن‌ها محک می‌خورد. این مقصود البته در ارزیابی سیاست هم که خود نوعی عمل است، کم‌وبیش می‌تواند حاصل شود و فرق نمی‌کند که سیاست بس عوامانه و مبتذل شده، و سخت تنگ‌نظرانه و حقیر باشد. اگر بپرسیم: کدام است آن موجودی که او را باید پیش‌مضمون خود کرده به‌عنوان پیش‌پدیدار پژوهش تثبیت کرد؟ پاسخ می‌دهند: اشیا. اما با گذاشتن نام شیء بر موجوداتی که «داده پیشینی» فرض شده است، این تحلیل از لحاظ هستی‌شناسی راه به جایی نمی‌برد (هستی و زمان - صص ۲۰۳ - ۲۰۲). به همین دلیل، پیش از هر چیز باید میان هستی و موجودات فرق گذاشت (همان - صص ۵۱۶)، زیرا این جهان بیرونی هرگز به معنای جهان نیست، که به معنای موجودات درون‌جهانی است (همان - صص ۴۸۲). پس مقصودمان کدام جهان است؟ (همان - صص ۱۹۸)

آنچه ما می‌جوئیم آنی است که خود را به هیأت هستی و ساختار هستی نشان می‌دهد (همان - صص ۱۹۳)، جهانی که نه این جهان است و نه آن جهان، و جهان بودنش از حیث کلی است (همان - صص ۱۹۵). از این رو، آنچه تاریخی است موجودی است که در مقام در - جهان - بودن هست به‌عنوان اگزیستانس (همان - صص ۷۹۹) به معنی از آن خود بودن و برون ایستادن، که همواره خود من هستم (همان - صص ۱۷۰ - ۱۶۹). چنان‌که، موضوع تاریخ‌نگاری امکانی است که واقعاً دارای اگزیستانس بوده است (همان - صص ۸۱۰)، امکانی که توسط آن، مورخ با اگزیستانس خود، «من» را در گذار به «ناهن» آشکاره می‌کند (همان - مفهوم در صص ۸۱۰ - ۸۰۸). و بدین‌سان، شناخت، شناختن جهان بیرونی نیست که رهزن فهم ما درباره‌ی هستی است، که شناختن پدیدار - در - بودن است (همان - صص ۱۸۵). معنی‌اش این است که: شناخت حالتی از حالت‌های دازاین است در رابطه‌ی او با جهانی که در خود دازاین به صورت منظره تازه‌یی از هستی کشف و پیدا می‌شود و با آن، او می‌تواند مستقل و متکی به خود پیوسته بایده شود، می‌تواند به صورت یک تکلیف درآید و می‌تواند در مقام علم برای در جهان بودن، نقش راهنما و راهبر را به عهده بگیرد (همان - صص ۱۹۲ - ۱۹۱). بنابراین، اگر ضرور آن باشد که پرسش در هستی به نحوی گویا و واضح طرح و تنظیم شود، آن‌چه می‌طلبید، فراهم آوردن امکان انتخاب موجود نمونه است و اصالت شیوه‌ی واریسی برای دسترسی به آن.

بازشکافتن پرسش در هستی بدین معنی است: تعریف جامع و مانع موجود از حیث هستی‌اش. این موجود که درون هر یک از خود ماست و پرسش یکی از امکانات اوست، ما آن را دازاین اصطلاح می‌کنیم (همان - صص ۷۳ - ۷۲).

در بررسی هایدگر، کسی که او را نادره قرن بیستم دانسته است، قاعدتاً بایستی نشان داده باشد که چرا هایدگر در شرایط آلمان آن روز که آبیستن فاشیسم بود، مفهوم «وجود» را با چنین فراخی وصف می‌کرد: پیشینی‌تر از هر سوژه‌یی، و دست‌کم زمانی مستقل از موجود یا چیزها، خودآیین، خودشکل‌دهنده به روش خویش، و حاضر در جهان ولی ناپیدا در چیزها یا پدیدارها؟ چرا هایدگر با چنین وجهی بیانی که بوی اقتدار کلیسای توماس اکویناسی و قرون وسطایی می‌دهد، بر اهمیت «وجود» تأکید می‌گذاشت؟ ولی آیا باور او به «وجود» به‌عنوان وجود حاضر در جهان، او را زمینی نمی‌کرد؟



هایدگر از چه سخن می‌گوید؟

سید محمود انتظار - استاد دانشگاه

بخش دوم

ناامن کشور به حساب می‌آید و جز شهر، مابقی حدود قلمرو در معرض تهدیدات جدی مخالفین مسلح دولت قرار دارد و در بسیاری از نقاط شهر نیز مخالفین مسلح دولت شب‌هنگام آزادانه گشت‌وگذار دارند و به میل و رغبت امارت‌شان فعالیت‌هایی نیز همانند بمب‌افگنی در منازل به منظور خلق وحشت، اخاذی و ترور انجام می‌دهند بی‌آن‌که اهمیتی از سربازان و موجودیت‌شان در شهر داشته باشند. نبود امنیت اجتماعی، امنیت جانی، امنیت مالی و امنیت روانی در این ولایت تأثیر مستقیمی بر زنده‌گی، شغل و آزادی افراد گذاشته و موجب مختل شدن آرامش اجتماعی و فردی شهروندان گردیده و میزان بالای نگرانی‌های اجتماعی، سلامت خانواده‌ها را برهم ریخته و موجب افسرده‌گی شدید اجتماعی شده است. تأثیرات سوء ناامنی را علاوه بر اجتماع و افراد می‌توان بر ساختار، نهادها و هنجارهای وابسته به نظام نیز به وضوح مشاهده نمود و عدم کارایی، مفیدیت و اثربخشی‌شان را مستقیماً به ناامنی ربط داد و دلیل عقب‌مانی این ولایت در تمام ابعاد و جوانب ریشه در این مؤلفه اساسی دارد.

فقر اقتصادی مهم‌ترین چالش واگیر، فراگیر و همه‌گانی موجود در ولایت بادغیس، فقر اقتصادی است که سایر مظاهر بدبختی ریشه در این چالش نگران‌کننده دارد. منظور از فقر اقتصادی، محرومیت افراد از ثروت، شغل و آبرومندان، سطح زنده‌گی مناسب، خوراک و پوشاک برابر، سطح ایده‌آل بهداشت و مسکن معین است.

در ولایت بادغیس بدبختی است که همه به نوعی گویا از لحاظ اقتصادی شرایط نامطلوبی دارند و فقر اقتصادی به‌صورت قابل توجهی در جامعه بیداد می‌کند. افراد به‌طور نگران‌کننده در این ولایت از بیکاری‌های طاقت‌فرسا رنج می‌برند و حصول وسایل امرار معاش به سختی‌های جانکاه در تقابل و تضارب است. مسلماً اگر به ریشه‌یابی این چالش اساسی بپردازیم، به یک نتیجه دست خواهیم یافت که همانا ناامنی و عدم ثبات سیاسی موجب تشدید فقر اقتصادی در این ولایت گردیده است.

نبود بازار کار و اشتغال برای فارغ‌التحصیلان جوان

یکی از چالش‌های عمده و آزاردهنده در ولایت بادغیس، نبود بازار اشتغال و کارایی برای فارغ‌التحصیلان جوان می‌باشد که نسبت به هر نگرانی و ناهنجاری دیگر می‌تواند تبعات و آثار مخرب بر پیکر جامعه برجای بگذارد؛ زیرا نیروی انسانی جوان در صورت عدم تأمین نیازها و خواسته‌ها دست به هر کنش و واکنشی می‌زنند که جبران آن علاوه بر هزینه‌های مادی برای حکومت، خسارات معنوی قابل توجهی در بر می‌داشته باشد.

در ولایت بادغیس، نرخ بی‌کاری به پیمانه وسیعی به تناسب سال‌های قبل افزایش یافته و نرخ مشارکت اقتصادی و میزان افزایش در عرضه نیروی کار، روی اشتغال پایدار تأثیرات فراوان خود را داشته است. شاید با آینده‌شناسی کمی و کیفی و شناسایی همه ظرفیت‌ها و فرصت‌ها بتوان برای توسعه بازار کار، اشتغال‌زایی و کاهش نرخ بیکاری در این ولایت برنامه‌ریزی نمود و فرصت‌های شغلی ایجاد کرد. در ولایت بادغیس، چالش نبود بازار کار و اشتغال را با تکیه بر منابع و ظرفیت‌ها می‌توان در درازمدت با برنامه‌ریزی، تبدیل اشتغال‌زایی به سیاست حکومت محلی، مدیریت بازار و طرح ضربتی اشتغال از بین برد و با سازمان‌دهی هوشمند، فرصت‌های کاری برای همه اقشار به ویژه فارغ‌التحصیلان ایجاد نمود.



بررسی اوضاع سیاسی - اجتماعی بادغیس در حکومت وحدت ملی

است و میزان این بی‌ثباتی در حدی است که مانع توسعه سیاسی، توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی و توسعه همه‌جانبه شده است و بلا تکلیفی چندین ساله این ولایت محصولی از فقدان ثبات سیاسی بوده و می‌باشد. تا در این ولایت ثبات سیاسی شکل نگیرد، اوضاع بر همین منوال ادامه خواهد یافت و ایده‌آل‌ترین روش دستیابی به ثبات سیاسی، بلند بردن شعور سیاسی، درک اجتماعی و دانش افراد، عزم راسخ بزرگان، نیروی انسانی و کادر متخصص برای تغییر، بسیج منابع، امکانات و داشته‌ها، تأمین امنیت، آرامش و سازش، رفع اختلافات، یکدیگرپذیری و طرح استراتژی قوی به منظور پیشرفت، ترقی و تعالی مردم و منطقه است.

بحران امنیت و میزان بالای نگرانی‌های اجتماعی از وضع حاکم

امنیت از اساسی‌ترین نیازهای بشر برای تداوم حیات و زیست‌عاری از مشکلات است که در حوزه‌های مختلف، دانشمندان از آن تعاریفی متنوع ارائه داده‌اند تا جایی که بوزان (Buzan) معتقد است که: هر کوششی برای درک مفهوم و معنای امنیت بدون آگاهی کافی از تناقضات و نارسایی‌های موجود در خود این مفهوم ساده‌اندیشانه است. مفهوم امنیت در عین حالی که پیچیده است، در هاله‌یی از ابهام قرار دارد و با در نظر گرفتن این ابهامات و پیچیده‌گی‌ها، داریوش آشوری امنیت را فراغت نسبی از تهدید یا حمله یا آماده‌گی برای رویارویی با تهدید و حمله تعریف نموده است. ایان بلانی (Ian Bellany) رهایی نسبی از جنگ را امنیت می‌گوید و لارونی مارتین (Lurene Martin) معتقد است که امنیت تأمین و تضمین رفاه مادی می‌باشد و به باور ژان ای مورز (John. E. Morris) امنیت عبارت از رهایی نسبی از تهدیدات ضراقرین است و با در نظر گرفتن این تعابیر و مفاهیم؛ امنیت از اساسی‌ترین نیازهای انسان در جامعه است و مبنا و اساس تمام پیشرفت‌ها و دستیافت‌های بشری را امنیت تشکیل می‌دهد و بدون تأمین امنیت، تغییرات و تحولات اجتماعی علی‌رغم کشش‌ها و تلاش‌ها به ارمغان نخواهد آمد و در جامعه‌یی که امنیت و آرامش تأمین نباشد، اجتماع، اقتصاد، تعلیم و تربیه، فرهنگ، فناوری، حکومت‌داری، قانونمندی و اتباع رشد نخواهد نمود. به هر روی، ولایت بادغیس در شمار ولایات

چالش‌ها و نگرانی‌های موجود در ولایت بادغیس

ولایت بادغیس از اوایل شکل‌گیری نظام نوین دولت تا تشکیل حکومت وحدت ملی، حامل یک سری از چالش‌ها و مشکلات به‌خصوص خود می‌باشد و دوره‌های پی در پی است که مردم از اساسی‌ترین نیازها و امکانات رفاهی بی‌بهره اند. گرچه در تمام این سال‌ها شهروندان این ولایت طرح دستیابی به امکانات آسایشی (آب، برق و سرک)، رفاه اقتصادی (اشتغال‌زایی، درآمدزایی و کار)، مؤلفه‌های عدالت‌خواهی، سهیم بودن در اقتدار ملی (داشتن وزیر، والی و قوماندان) و مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها را به گونه‌های مختلف مطرح کرده‌اند اما با نگاهی عمیق و پس از سال‌ها تجربه، احساس و درک می‌شود که هنوز هم مشکلات وجود دارد و چالش‌های گذشته بیش از پیش تقویت یافته است. در ذیل به برخی از مشکلات موجود در ولایت بادغیس نگاهی گذرا خواهیم انداخت و نتایج حاصل از طرح این بحث را مفصل شرح خواهیم نمود:

فقدان ثبات سیاسی

منظور از ثبات سیاسی به عقیده مارتین نیدلر (Martin Needler) نظامی مبتنی بر قانون و انتخابات است و آکه (Ake) منظم بودن تعاملات سیاسی را ثبات سیاسی قلمداد می‌نماید. با این نگرش، حکومت‌هایی دارای ثبات سیاسی اند که به روش قانونمند و عقلایی بر مردم حکومت می‌کنند و برای تأمین منافع، ترقی جامعه و توانمندسازی مردم تلاش جمعی دارند. با اتکا بر این باور، نظامی را می‌توان بی‌ثبات خواند که تغییرها و چالش‌ها امر عادی محسوب شود و تهدیدات، شورش‌ها، خطرات، سرنگونی‌ها، تخریبات، جنگ‌ها، نابرابری‌ها، بی‌عدالتی‌ها، عدم توجه به خواسته‌ها، نیازها و تمایلات مردم، فقدان مشارکت ملی، توسعه ناکافی و سایر مظاهر بدبختی بر مردم و اجتماع مسلط باشد. بی‌ثباتی سیاسی بر رشد و توسعه، امنیت و اقتصاد، دانش و ترقی افراد و اجتماع، آثار منفی و مخرب دارد و به علاوه عوامل یاد شده سبب رشد مدیریت سوء در حکومت، روی کار آمدن افراد ناشایست در ساختار و فرار مغزها از جامعه می‌شود. با طرح این مقدمه، ولایت بادغیس دارای ثبات سیاسی نیست و بی‌ثباتی اجتماعی - سیاسی به شکل حاد آن در جامعه حاکم

زن افغانستان و امواج پرتلاطم تجدد

زینب موحد



می‌خواهم قبل از پرداختن به موضوع مورد نظر، من باب یادآوری، رفتار نیکو و تحول و انقلاب بزرگی که پیامبر اعظم - صلی الله علیه وسلم - و تأثیر رفتار آسمانی وی بر زنده‌گی زنان آنروزگاران آورد را یاد آورشم. محمد - صلی الله علیه وسلم - غبار ذلت و خواری را از چهره زنان زدود و اسلام و قرآن کریم عادت‌های جاهلی و رفتارهای غیرانسانی با زنان را تبیح نمود و هویت انسانی زن را به همه معرفی کرد و ندای انسانیت و برابری هر دو جنس بشر را در تمام جهان طنین افکن نمود. قرآن کریم با الفاظی مثل: «الناس»، «أمنوا» و ده‌ها مورد دیگر، هر دو نوع بشر را به دور از هر نوع تبعیض جنسیتی مورد خطاب قرار می‌دهد. چنانچه خداوند متعال در قرآن کریم همه بشریت را نفس واحد، و برتریت را بر اصل تقوا اساس گذاشت و فرمود: «یا ایها الناس إنا خلقناکم من ذکر وأنثی وجعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا إن اکرکم عندا لله أتقاکم» [حجرات، ۱۳]

در این نوشته در پی تبیین حقوق زن و نحوه اجرای آن در اسلام نیستیم؛ زیرا در مقالات گذشته از همین روزنامه به تفصیل به راهکارهای محو خشونت و حقوق زن در قرآن و صدر اسلام پرداخته شده است.

قابل به ذکر است که رویکرد پیامبر و تحول عظیم حالت و وضعیت زنان، بیشتر از سه قرن دوام نکرد، و انگار زن و داستان غم‌های او قرن‌ها پس از وفات رسول الله ادامه داشت تا آنجا که از سال ۳۵۰ هجری تا سال ۱۲۸۶ در هیچ‌جا سخن چندان از زن نبود. در اواخر قرن هژدهم و اوایل قرن نوزدهم، آغاز و ظهور حرکت آزادی زنان برای احقاق حقوق‌شان در غرب توجه دانشمندان اسلامی را بار دیگر معطوف مسأله زنان نمود، طوری که می‌توان رویکرد سنت‌گرایی و تجددگرایی را در بلاد اسلامی در مواجهه با فرهنگ غرب، در محدوده مطالعات زنان محسوب نمود. البته شایان ذکر است که آنچه در مطالعات اندیشمندان مسلمان از ایران تا شبه‌قاره و کشورهای عربی مطرح می‌شد، بیشتر برخاسته از دغدغه‌های متنوع و پایگاه‌های فکری متفاوت اما پسوند اسلامی بوده است. با آنکه این رویکردها از خاستگاه‌های فرهنگی و پایه‌های فکری متفاوت برخوردار بوده، اما در مواجهه با فرهنگ غربی در کشورهای اسلامی رخ داده بود.

باید اذعان داشت که این رویکردها توانسته‌اند در تمام مواردی که مربوط به مسایل زنان در جامعه نوین اسلامی می‌شود، پاسخ‌گو باشد که این ضعف در بیان تمام جوانب شخصیت زن در نگرش فمینیست‌ها نیز مشهود است. با یک مرور ساده به جریان‌های فمینیستی در غرب درمی‌یابیم که اگر این جنبش به یک بُعد یا ابعادی از زنده‌گی زنان پرداخته، از جهات بسیاری غافل مانده است. حال آنکه شخصیت زن هم‌زمان دارای وجهه فردی، خانواده‌گی و اجتماعی است و هر یک از این جهات نیز به نوبه خود از زوایای مختلف و متنوعی برخوردارند. بنابراین تفکیک مسایلی چون اشتغال، حقوق شهروندی و یا مشارکت سیاسی و ابعاد اخلاقی، تربیتی، نقش‌های ویژه خانواده‌گی در جایگاه همسری و مادری، تکالیف فردی، احتیاج به یک سیستم و نظام جدید با توجه به زمانی که در آن زنده‌گی می‌شود، داریم.

پس از ۱۹۵۴م/ ۱۳۳۳ هجری، تحولات وسیعی در وضعیت زنان در جهان رخ داد. بررسی‌های تاریخی اندکی در آن زمان در مورد زنان خاورمیانه صورت گرفته است، اما در کل تغییرات اساسی و مهمی در عرصه زنده‌گی زنان به میان آمد. بعد از آن، سران

دولت‌های مدرن که همه جانسین حکومت‌های شاهی شده بودند، حقوق زنان را ارتقاء دادند، ولی در عین حال به سلطه سازمان‌یافته بر سازمان‌های مستقل زنان پرداختند، و وضعیت جدیدی در زنده‌گی زنان در تمام جهان در ابعاد مختلف تحصیلی و سیاسی پدید آمد، که زنان مسلمان شرقی در همان زمان خواستار تفسیر جدید از متون موجود شدند. تفسیرهای ضدو نقیض در مورد زنان در میان مسلمانان اسلام‌گراها و محافظه‌کاران حامی غربی‌ها رخ می‌داد، در بیشتر کشورهای اسلامی این مباحث را جزیی از برنامه‌های امپریالیستی، مسیحی، صهیونیستی، برای تخریب فرهنگ اسلامی قلمداد می‌نمودند، و این سیر شتابان در کشورهای خاور و کشورهای عربی جریان داشت. رفته‌رفته این مباحث در زمان شاه امان‌الله خان در سال ۱۹۲۹-۱۹۱۹م/ ۱۲۹۸-۱۳۰۸ هجری شمسی، آن زمان که تسلط قبایل و سلطه مردانه رواج شدید داشت، به افغانستان کشانیده شد، اما کار چندان در عرصه تجدد زندگی زنان افغانستانی جز در خلع حجاب و فراهم‌سازی زمینه آموزشی اندک صورت نپذیرفت. زمانی که شاه امان‌الله در راستای آزادی زنان و هم‌پایی آنان با زنان غربی، خلع حجاب را مطرح نمود، با واکنش‌های شدید افشار مختلف مردم، حتی کسانی که بر سر سفره او پروریده شده بودند، مواجه شد. در زمان زعامت ظاهرشاه در سال ۱۳۵۲-۱۳۱۲ جز در مورد قانون ازدواج کار مهمی صورت نگرفت. در زمان داوود خان که حکومت جمهوری برقرار شد، قانون ازدواج تصحیح گشت اما این قانون چندان جنبه اجرایی نیافت. در این دوره، علاوه بر اعلان تساوی جنسیتی، یک سازمان زنانه نیز ایجاد شد. بعد از وی در زمان دیگر زعماء، فرصت‌هایی برای آزادی در انتخاب همسر و تعیین سن ازدواج و سواد آموز، فراهم شد. اما دیری نپایید که جنگ‌های داخلی و به تعقیب آن دوران مقاومت در برابر تروریسم بین‌المللی واقع شد که با جرأت تمام می‌توان گفت که کار چشم‌گیری در عرصه تجدد زنده‌گی و احقاق حقوق زن افغانستانی صورت نگرفت.

پس از واقعه یازده سپتمبر ۲۰۰۱م، در زمان رییس‌جمهور کرزئی و تشکیل شورای ملی افغانستان، و ایجاد نهادها و ادارات دولتی، حضور زنان در رده‌های مختلف اجتماعی و سیاسی، تا امروز محسوس بوده است. بدون پرداختن به موضوع کامیابی و ناکامی طرح‌ها و برنامه‌های غربی‌ها و دیگر کشورها در راستای احقاق حقوق زنان در این سال‌ها مبالغه‌آمیز نیست که بگوییم: صدها و هزاران پروژه برای بهبود وضعیت زنان

افغانستان و هم‌سان شدن ایشان با زنده‌گی نوین غربی انجام پذیرفت. حضور پُرنرنگ زنان در نهادهای تحصیلی و وزارت‌خانه‌ها، و تلاش برای آموزش دختران بر هیچ‌کس پنهان نیست، اما با این‌همه نیز زنان افغانستان در جامعه‌ی زنده‌گی می‌کنند که هر روز در معرض انواع خشونت‌ها قرار می‌گیرند. زنان افغانستان در سال‌های پسین با موج پُرتلاطم و تند امواج تجدد و مدرنیسم روبه‌رو شده‌اند، و این مسیر را هم‌پای دیگر کشورها نیمه‌ده‌اند، بلکه حالا با تأخیر نزدیک به یک قرن برای رسیدن به آن تلاش می‌کنند. اما پرسش این‌جاست که چرا زنان افغانستانی با توجه به وجود ده‌ها و صدها نهاد، و تطبیق صدها پروژه، هنوز قربانی خشونت اند؟ پاسخ شاید در این موارد خلاصه شود:

۱- در جامعه افغانی به‌شدت دین و رسوم و عنعنات درهم آمیخته شده است. قرائت عنعنوی از دین و نبود قدرت علمی و فهم درست از اسلام، و تفکیک درست شریعت از رسوم، زنان را با مشکلات جدی مواجه ساخته است. برای بیرون‌رفت از این‌همه آسیب‌های اجتماعی، نیاز مبرم به فهم درست آموزه‌های بلند شریعت و تفکیک سنت‌های بومی از دین هست.

۲- تغییر وضعیت زنان در افغانستان نیازمند بازخوانی مجدد پروژه‌های حقوق زنان و نحوه اجرا و مجریان آن در جامعه هست. زن افغانستانی نیازمند مُدل جدیدی از حضور خویش در ابعاد مختلف جامعه می‌باشد. باید این رویکرد جدید با مطالعه عمیق جامعه‌شناسی، در تئانی اعتماد مردان این کشور انجام پذیرد. زیرا مردان افغانستان سال‌ها برای عقایدشان در اثر تلقینی که از ناموس‌داری برای‌شان شده است، تا پای جان رزمیده‌اند و به‌زودی به هرکس اعتماد نمی‌کنند. ۳- اگر از همان نخست کشورهایی که برای کمک به زنان افغانستان اقدام نمودند، به اوضاع اجتماعی مردم افغانستان توجه می‌نمودند، امید نسبی مهار خشونت وجود داشت. من خود بارها واکنش مردان حتی خود زنان در برابر مصطلحاتی چون حقوق زن را دیده‌ام که این واکنش و عکس‌العمل را باید برخاسته از فهم بومی از اسلام دانست. با آنکه تمام مردم افغانستان مسلمان هستند و نماز می‌گزارند و روزه می‌گیرند اما زنان افغانستانی خیلی به‌ندرت از سهم‌الارث که حق مسلم شرعی و اسلامی زن هست، مستفید می‌شوند.

به امید روزی که دختران افغانستان در اثر خشونت‌های ظالمانه و نادرست و عقده‌های ناشی از نکاح بدل و شغار و به زور ستانیدن حق

ارث‌شان و گوش و بینی بریدن‌ها و محکمه‌های صحرایی و حرمان آموزش و پرورش، به مادران عقده‌ی و مریض فردا مبدل نشوند و با مصونیت در تمام عرصه‌های جامعه در راستای رسیدن به آرمان‌های بلند تلاش و کوشش نمایند.

نتیجه

می‌توان آن‌چه امروز بر سر زنان افغانستان می‌آید را ناشی از درآمیختن شدید دین و سنت‌های ناپسند قبیله‌ی از یک‌سو و عدم قبول مفاهیمی که مردم آن را به غرب نسبت می‌دهند، و عدم اعتماد مردان و در برخی موارد خود زنان به کارگزاران و بانیان حقوق زن، از جانب دیگر دانست. حال آنکه زنان مسلمان قرن‌ها قبل در زمان حیات محمد - صلی الله علیه وسلم - در اوج مدنیت می‌زیسته‌اند، زنان افغانستانی اما تا حال در هیچ مسجدی جایی برای حضور ندارند و خیلی به‌ندرت برای‌شان از منابر دادخواهی می‌شود. حال آنکه اسلام قرن‌ها قبل زنان و مردان را یکسان به سوی مسجد ندا می‌نمود و مرد وزن در آن‌جا برای اصلاحات و پویایی و مدنیت اسلامی به‌طور هم‌سان پیکار می‌نمودند. پس راهی جز تبیین الگوی مناسب و جامعه‌ی از شخصیت زن مسلمان امروزی هم‌گام با زنان مسلمان جهان نداریم. با تربیت درست دختران امروز و مادران فردا، تربیت پسران امروز و مردان آینده به دست ایشان، نسلی از مردان فهیم و مؤمن را به جامعه تقدیم می‌نماییم تا هرگز زنی را مورد خشونت و آزار و اذیت قرار ندهند.

پی‌نوشت‌ها

قرآن کریم:

- ۱- فتاحی زاده - فتحیه، زن در تاریخ و اندیشه اسلامی، مرکز پژوهش‌های صدا و سیما، قم مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۶
- ۲- سبحانی، محمد تقی، الگوی جامع شخصیت زن مسلمان، جلد نخست، مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواهران، تابستان، ۱۳۸۲
- ۳- کدی، نیکو ر. مداح، هما، زنان در خاورمیانه گذشته تا کنون، نشر و پژوهش شیرازه
- ۴- مهریزی، مهدی، شخصیت و حقوق زن در اسلام، چاپ دوم، ۱۳۸۶ انتشارات علمی فرهنگی لیتوگرافی، مهران؛ چاپ شیرین، صحافی: سبزواری.



تلفات سربازان نیروهای امنیتی در تخار

۱۷ پولیس کشته و ۱۳ تن زخم برداشند



موسوم به «محمد حسین و گل محمد» کشته و ۹ تن دیگر آنان مجروح شدند همچنان هفت تن از سربازان اردوی ملی کشته و چهار تن آنان زخمی شده اند.

او گفت که گروه طالبان حدود ۱۰۰ تن از جنگجویان این گروه را از ولایات مختلف جمع کرده و بر این دو پوسته حمله نموده اند. ولسوالی خواجه غار افزود که در میان این طالبان، جنگجویان قطعه سرخ این گروه با تجهیزات، نیز حضور داشتند.

حدود یک ماه قبل، نیروهای پولیس در ولسوالی درقد ولایت تخار به مراکز طالبان حمله کردند و شهرک موسوم به «عمری» را که از سوی گروه طالبان اعمار شده بود، تخریب کردند.

ذبیح الله مجاهد، سخنگوی گروه طالبان با ارسال پیام تیلفونی به رسانه‌ها گفته است که طرفداران آنان در حمله به پوسته‌های پولیس محل و اردوی ملی در ولسوالی خواجه غار، ۲۹ سرباز افغان را کشته اند.

در این پیام طالبان آمده است که چهار تن از قومندانان پولیس محلی نیز شامل افراد کشته شده، اند.

امریکا گفت که شب گذشته طالبان مسلح بر پوسته‌های پولیس محلی و اردوی ملی در مناطق «پل مومن» و «گورتپه» حمله کردند. مولوی عمر افزود که در این حمله طالبان، ۱۰ پولیس محلی شامل دو تن از قومندانان آنان

طالبان مسلح پنجشنبه شب بر پوسته‌های امنیتی در ولسوالی خواجه غار ولایت تخار حمله کردند که در نتیجه آن، ۱۷ تن از پولیس محلی و سربازان کشته و ۱۳ تن دیگر مجروح شده‌اند. مولوی محمد عمر، ولسوال خواجه غار به صدای

امریکا برای دریافت اطلاعات

از رهبران طالبان پاکستان جایزه تعیین کرد

به رهبری امریکا در افغانستان، تهدید محسوب می‌شوند.

این وزارت افزود: هر یک از این افراد اقداماتی تروریستی انجام داده‌اند که امنیت امریکا و شهروندان این کشور را به طور جدی تهدید کرده است.

اتهام عدم همکاری در سرکوب طالبان افغانستان و شبکه حقانی متوقف کرد.

وزارت امور خارجه امریکا در بیانیه خود اذعان کرد، دلیل تعیین این پاداش‌ها در ازای اطلاعات درباره این سه رهبر گروه‌های تروریستی این است که آنان برای پاکستان و ائتلاف نظامی



که یک طرف این اختلافات از پشتوانه قوی نظامی برخوردار است و بی‌تفاوتی نسبت به آن، عواقب زیان‌باری چون متواری شدن مردم را در پی می‌تواند داشته باشد و لازم است که یک نیروی حایل در این منطقه جابه‌جا شده و از آسیب دیدن مردم جلوگیری کند.

آقای محقق تشدید این اختلاف‌ها را در صورت بی‌توجهی با آن، زمینه‌سازی بحران خوانده و از حکومت خواست که برای حل این معضل جدا وارد عمل شود.

او در این باره تأکید کرد که رهبری حکومت برای پیشگیری و جلوگیری از اختلافات و تنش‌ها باید اقدامات جدی روی دست بگیرد.

معاون دوم ریاست اجرایی در ادامه مسأله صلح با طالبان با طرح جدید که حکومت به این گروه پیشکش کرده را شجاعانه و امیدوار کننده خوانده از گروه طالبان خواست که به درخواست حکومت پاسخ مثبت گفته و مثل سایر جریان‌های سیاسی در یک فضای صلح‌آمیز آرمان‌های‌شان را مطرح کرده و به رقابت سیاسی بپردازند.

این گفته‌ها در حالی مطرح می‌شود که از یک هفته به این سو پس از حمله افراد مسلح ناشناس بر اهالی روستای شیرآباد ولایت غزنی، روستاییان این منطقه دست به اعتراض زده و برای چهار روز شاهراه کابل-قندهار را به روی ترافیک بستند.

این معترضان مدعی‌اند که اهالی قریه نیخته که از دیری به این سو با آنان روی مسأله آب اختلاف دارند، در حمله به این روستا، دو نفر آنان را کشته و سه تن را زخمی و دو تن را با خود برده اند.

محسوب می‌شود.

او افزود که حکومت که متشکل از دو تیم انتخاباتی بوده و به مردم مناطق مرکزی وعده شکستن این حصار طبیعی را داده بود، باید در راستای تحقق این آرمان اقدامات جدی را روی دست بگیرد.

آقای محقق وصل شدن سرک حلقه‌ی هرات به مزار، بامیان به غور و دره صوف به بامیان را از عمده‌ترین اقداماتی خواند که در خارج ساختن هزاره‌جات از حصار طبیعی نقش اساسی داشته و دسترسی مردم این مناطق را به بازارهای داخلی و خارجی تضمین می‌کند.

او همچنان تعدیل واحدهای اداری را در هزاره‌جات از دیگر خواسته‌های جدی مردم دانسته بیان داشت، ارتقای سه ولسوالی جاغوری، دایزنگی و بهسود به ولایت و ایجاد چندین ولسوالی دیگر در مناطق مختلف پُر جمعیت هزاره نیاز دیرینه مردم است و در این راه باید گام‌های اساسی برداشته شود.

معاون ریاست اجرایی در همین رابطه «برنامه جامع امنیتی اداری» هزاره‌جات که توسط خودش و معاون ریاست جمهوری تهیه شده و امنیت هزاره‌جات و سایر مناطق را تضمین می‌کند، یادآوری کرده از رهبری حکومت خواست که برای تطبیق این برنامه اقداماتی را روی دست بگیرد.

محمد محقق تطبیق این برنامه که تشکیل تعداد ۱۵ ولسوالی جدید تشکیل، استقرار دو تا سه هزار نیروی پولیس و جابه‌جایی یک لوا و هشت کندک نظامی در بخش‌های مختلف مناطق مرکزی را شامل می‌شود، اقدامی خواند که در بهبود وضعیت اداری و امنیتی هزاره‌جات موثر واقع خواهد شد.

آقای محقق در پاره‌یی از سخنانش به موضوع بروز تنش‌ها میان اهالی دو روستا از دو قوم مختلف در ولسوالی قره‌باغ ولایت غزنی اشاره کرده، گفت

امنیت شورا د افغانستان په سوله کې د

سیمه ییزو لوبغاړو پر همکاری ټینگار وکړ

د ملگرو ملتونو د امنیت شورا په غونډه کې چې پروت پنجنشنبه په نیویارک کې جوړه شوه، د افغانستان پر حالاتو، په تېره بیا د دغه هېواد پر سولې خبرې وشوې.

د دې شورا ځینو غړو د افغانستان د سولې په بهیر کې د سیمې د هېوادونو رغنده گډون او همکاری مهمه وبلله.

د امنیت شورا د مارچ د میاشتې دوره یې مشري د هالنډ په غاړه ده.

غونډې ته د هالنډ د بهرنی سوداگری او انکشافی همکاری وزیرې سیگریډ کاگ وویل، د افغانستان د حکومت په مشرۍ د هر اړخیزو خبرو له لارې په دې هېواد کې سوله راتلای شي.

دې په عین حال کې وویل، دا کار د سیمه ییزو شریکانو له رغنده همکاری او رښتینې ژمنې پرته ممکن نه دی.

نوموړې زیاته کړه:

«موږ د افغانستان د حکومت په مشرۍ یوازې د جامع خبرو له لارې سوله ټینګولای شو، نړیواله ټولنه دې خپله انرژي د سولې پر خبرو اترو متمرکز کړي، حل لاره باید په زغرده سیاسي وي او دا کار د سیمې د ټولو شریکانو له رغنده او حقیقي ژمنې پرته نه لري.»

د ملگرو ملتو امنیت شورا په داسې حال کې د افغانستان پر سولې خبرې کوي چې د افغانستان ولسمشر محمد اشرف غني ۱۰ ورځې وړاندې د کابل پروسی په دوهم کنفرانس کې د سولې یوه نوې طرحه وړاندې کړه.

ده وویل، د افغانستان حکومت چمتو دی چې بې قید او شرطه له وسله والو طالبانو سره خبرې وکړي او دا ډله د یوه سیاسي گوند په توگه په رسمیت وپېژني. وسله والو طالبانو تراوسه پورې د افغانستان د حکومت د سولې دا وړاندیزونه رسماً رد کړي نه دي. خو پخوا یې ویلي چې د افغانستان له حکومت سره نه؛ بلکې له امریکا سره خبرې کوي.

د امنیت شورا په غونډه کې د سویډن د بهرنیو چارو مرستیالی وزیرې انیکا سوندر له طالبانو وغوښتل چې له دې فرصته استفاده وکړي او د سولې خبرې پیل کړي.

دې وویل:

«د ترورېستي ډلو له لورې تاوتریخوالی باید ودرول شي، شخړه یوازې د سیاسي خبرو له لارې حل کېدای شي، د کابل پروسی دوهم کنفرانس تېره اوونۍ دایر شو او د افغانستان حکومت د دې غونډې په لړ کې د لارې یوه رغنده نقشه د سولې لپاره وړاندې کړه، موږ له طالبانو غواړو چې خبرو اترو ته تیار شي، له سیمه ییزو لوبغاړو هیله کېږي چې د سولې په هلوځلو کې خپل رول ولوبوي.»

له بلې خوا د افغانستان لپاره د ملگرو ملتونو خاص استازي تدامیچي یاماموتو د افغان ولسمشر د سولې نوې طرحې ته په اشارې وویل، طالبان دې را وړاندې شي او د افغانانو د کړاوونو او دردونو د پای ته رسېدو لپاره دې، د افغانستان له حکومت سره خبرو ته کېږي. د ملگرو ملتو د امنیت شورا په غونډه کې د افغانستان په اړه د روان میلادي کال په وروستیو کې د یوه نړیوال کنفرانس د جوړېدو یادونه هم وشوه.

تمه ده چې دا کنفرانس د ملگرو ملتونو په کوربه توب د نومبر په ۲۸ مه د سویس په جینیوا ښار کې جوړ شي.

همداراز ټاکل شوې ده چې شاوخوا ۲۰ ورځې وروسته د ازبکستان پلازمېنه تاشکند د افغانستان د سولې او امنیت په اړه د غونډې کوربه وي.



فیسبوک نامه

عزیز رفیعی



به بهانه تریکی روز زن!

اگر می‌خواهید خانواده و جامعه خوشبخت داشته باشید، بالای دختران تان بیشتر سرمایه‌گذاری کنید. تاریخ نشان می‌دهد که زنان بیشتر و بهتر از مردان در تربیت کودکان نقش داشته‌اند. جامعه زمانی به خوشبختی می‌رسد که ما بیشترین سرمایه‌گذاری را بالای تربیت کننده‌گان نسل‌های بعدی خویش انجام دهیم. به یاد داشته باشید که هر زنی بر شما حقی دارد که با معنویت و عاطفه بشری در درون شما گره می‌خورد. این حق را ادا کنید.

طارق عظیم



با عجله نک‌تایی خود را بست و گفت: «کمربندم کجاست او زنکه؟ بوت‌هایم رنگ کدی؟ بیا ای پدر لعنت دختر ته آرام کو. جیغ زده دیوانیم کد». صدای زن از آشپزخانه: «صبحانه آماده می‌کنم. چوشک‌شه بده آرام می‌شه. یک لحظه صبحانه آماده شوه بوت‌ته رنگ می‌کنم».

مرد: «کدام وقت شده که یک کاری ره به وقتش کده باشی؟ زود شو که سرم ناوقت شد. راستی بکس جیبیم کجاست؟ د ای خانه آدم دیوانه می‌شه، هیچ چیز سر جایش نیست. تو پدر لعنت هم شش ساعت ره د آشپزخانه تیر می‌کنی. بیایم د جانته؟»

زن: «چی کار کنم، دو تا دست دارم و دو تا پا...».

مرد: «تو آدم نمی‌شی. زبان بازی هم می‌کنی؟ حالی حق‌ته می‌تم...»

دو ساعت بعد؛

مرد میان کف زدن حاضران پشت میز سخنرانی قرار می‌گیرد و می‌گوید: «... دوست دارم سخنانم را با این جمله معروف اقبال لاهوری ختم کنم که گفته‌است: زن کانون پر فروغ خانواده، مرکز مهر، مظهر عشق، نمایش‌گر پاکي، نمونه عطفوت و چشمه عنایت است». حاضران کف می‌زنند و یک زن همچنان در کنج آشپزخانه گریه می‌کند...

محمد هارون مجیدی



رادیوی آشنا صدای آمریکا را می‌شنیدم که خبر شهادتش را نشر کردند. نامش با مقاومت و آزادی‌طلبی گره خورده بود و اوج درایتش را در زمان مقاومت ملی مردم افغانستان و نظام‌سازی جدید به نمایش گذاشت. زمانی که فرمانده امنیه پروان در کنار ت‌امین امنیت به توسعه این ولایت نیز کوشید.

در زمان مقاومت در یکی از بخش‌های کلیدی و دشوار مأموریت داشت؛ قهرمان ملی کشور از بهر رشادت و مبارزات سنگینش، لقب «نگهبان پُل متک» را پیش ر داده و بارها گفته بود، تا زمانی که مولانا عبدالرحمان سیدخیلی است، هیچ اتفاق بد و منفی به جبهه مقاومت نمی‌افتد. آخرین مأموریتش فرماندهی پولیس کندز بود، او این ولایت را به گورستان تروریستان تبدیل کرد تا استراتژی قتل‌های زنجیره‌ای جانش را گرفت.

فردا هفتمین سالروز شهادت مولانا عبدالرحمان سیدخیلی است.

عارف رحمانی



نقد کردن فحش دادن نیست.

دموکراسی یعنی آزادی بیان، یعنی تضارب افکار و تعاطی آراء، یعنی نقد و سنجش دیدگاه‌ها و انظار و سره را از ناسره ج‌داد کردن. این همه یعنی تلاش برای کشف و افشاسازی حقیقت و ماهیت واقعی افکار و دیدگاه‌های افراد و شهروندان. اما با تأسف در جامعه آفت‌زده ما پدیده نقد و ارزیابی افکار و آراء، فاقد معیارهای سالم و زنده است. نقد و سنجش افکار افراد به بداخلاقی و فحش و دشنام تنزل کرده و معنا شده است. هر کس فردی را مخالف دیدگاه و باور خود یافت، او را باید فحش و دشنام و توهین و تهمت مورد حمله و هجمه قرار می‌دهد. این رویه، مخالف بدیهی‌ترین اصول حقوقی و اخلاقی است. این روزها در فضای مجازی هرکسی، دیگری را مخالف ایده‌ها و عقاید خود یافت به جای نقد مستدل و مستند دیگاه و باورش، او را به باد تهمت و توهین و افترا می‌گیرد. این رویه مخالف آزادی بیان، اصول اساسی یک جامعه اخلاقی است و مایه فتنه‌ها و درگیری‌ها و جنگ‌های قومی و تنظیمی. این روند سبب ایجاد شکاف‌های عظیم اجتماعی است. برای سلامتی و نظم عمومی باید از آن دوری جست.

نقش حیاتی مارشال افغانستان در گذار به دموکراسی

معروف بیانگر

مانتسکیو نظریه‌پرداز فرانسوی که در قرن هفدهم نظریه تفکیک قوا و حکومت مبتنی بر قانون و آزادی‌های قانونی را در کتاب مشهورش «روح‌القوانین» تئوریزه کرد، گفت که این یک قاعده است که قدرت را با قدرت و ثروت را با ثروت می‌توان کنترل و مهار کرد که بعدها از مضامین آن در اداره کشورها و دولت‌ها و تدوین قوانین اساسی بهره بسیاری گرفته شد.

امروزه وقتی به کشورهای غربی و کشورهای که گذار به دموکراسی را به خوبی پشت سر گذاشته‌اند، نگاه می‌کنیم، از نظر سیاسی بزرگ‌ترین چیزی که نظر ما را به خود جلب می‌کند، نهادهای مقتدر و قانونی و تفکیک قدرت و چگونگی توزیع صلاحیت‌ها است که به سان یک سیستم خودکار به کار خود ادامه می‌دهند و در عین حالی که عرضه خدمات را انجام می‌دهند، افراد، سایر نهادها و گروه‌های سیاسی را نیز تحت کنترل خود دارند و به هیچ کس و فردی و نهادی اجازه استفاده سؤ از موقعیت و موقتش را نمی‌دهد، اما در کشورهای که در حال توسعه قرار دارند و نهادهای مقتدر و کنترل کننده و یا تطبیق کننده قانون یا در حال نضج گیری اند و یا اگر هم وجود دارند، به دلایل عدم التزام به قانون و فرهنگ قانون‌گرایی، از کارایی لازم هنوز برخوردار نیستند و یا به گونه تحت تأثیر افراد عمل می‌کنند؛ یعنی این افراد اند که نهادهای را در کنترل خود دارند. این را می‌توان وجه تمایز اساسی میان کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه گفت.

در کشورهایی که نهادهای قانونی از اقتدار لازم برخوردار نیستند، اما وجود رهبران کاریزما و مقتدر و باورمند به ارزش‌های مردم‌سالارانه نیز می‌تواند طور نسبی نقش نهادهای مقتدر کنترل کننده را بازی کنند، چون این رهبران و افراد هم توانایی به چالش کشیدن ترفندهای افراد خودکامه، زورگو، مستبد، حیل‌گر و ضد ارزش‌های دموکراتیک را دارند، هم قدرت بسیج مردم و هم صیانت از قانون را. از این رو می‌توان گفت که فرضیه مانتسکیو مبتنی بر «مهار و تحدید قدرت توسط قدرت» تا حدودی در حضور همین چهره‌ها مصداق پیدا می‌کند. پس حضور رهبران مقتدر که به ارزش‌ها و قواعد بازی دموکراتیک معتقد باشند، می‌تواند یک غنیمت برای گذار به دموکراسی و ایجاد نهادهای مقتدر به شمار برود.

این مقدمه را آوردیم تا روشن بسازیم که ما در افغانستان نیز حضور بعضی از چهره‌های مقتدر و مؤثر که هم در دفاع از تمامیت ارضی، ارزش‌های دینی و میهنی و هم در خصوص عبور به نظام مردم‌سالارانه مدرن، نقش حیاتی بازی کرده‌اند را احساس می‌کنیم و آن را باید غنیمت بدانیم. یکی از این چهره‌های تأثیرگذار، بدون شک مارشال محمدقسیم فهمید بود که بعد از سقوط گروه طالبان و به میان آمدن مرحله جدیدی از سیاسی در کشور، در ایجاد ارتش ملی و تدوین و صیانت از قانون اساسی تا جایی که امکان داشت، نقش مؤثری را ایفا کرد و تا زمانی که در قید حیات بود، تلاش کرد هرگونه انحراف قانونی و سیاسی را کنترل کند و اجازه ندهد افراد و اشخاص و گروه‌های خاصی، دستاوردهای نظام جدید را به انحراف بکشانند.

مارشال فهمید، افغانستان را از آن همه می‌دانست و به مشارکت سیاسی مردم، گروه‌ها و اقشار مختلف در نظام بدون این که یکی دیگری را حذف کند معتقد بود و به این حق تا آخرین لحظه حیاتش احترام قایل بود و حتی مشارکت دشمنان که علیه حکومت به گونه مسلحانه می‌جنگید را نیز در دولت ذیحق می‌دانست اما تاکید داشت که شیوه مشارکت در دولت باید از راه‌ها صلح‌آمیز و خشونت‌پرهیز انجام شود و اما اگر کسی می‌خواست قانون، اعتماد مردم و قواعد پذیرفته شده سیاسی را دور بزند و خود را با حیل و زور بر مردم تحمیل کند آنگاه آشکارا در برابرش می‌ایستاد و او را سرچایش می‌نشانند.

با آنکه در انتخابات سال ۱۳۸۸ ما شاهد بعضی از دست‌اندازی‌ها و بی‌نظمی‌های بودیم اما با آنهم وضعیت تحت کنترل قرار داشت و هرآنچه اتفاق افتاد بادر نظر داشت مصلحت عمومی در پرتو قانون اساسی به آن رسیدگی صورت گرفت اما بعد از وفات ایشان بود که رسوایی سیاسی به اوج خود رسید و یگانه سندی قانونی (قانون اساسی) که اعتبارش تا آن وقت محفوظ بود نیز فرش سرراه استفاده جویان و تقلب‌کاران گردید و شیرازه نظام و دست‌آوردهای ۱۵ ساله زیر سوال رفت و خودکامگی، زورگویی، و انحصارطلبی دوباره به یک فرهنگ روزمره تبدیل شد که ما امروز داریم تاوان آن را می‌پردازیم. بنابراین به صراحت گفته می‌توانیم تا زمانیکه ما به روند عادی از حکومت‌داری که در آن هیچ فرد و گروهی با دور زدن قانون خود را بر مردم تحمیل نکنند و ایجاد نهادهای معتبر قانونی که از اقتدار و اتوریته لازم برخوردار باشند تا جلو خودسری‌ها و فساد سیاسی را بگیرند نرسیم، نیاز به حضور رهبران باورمند به عدالت اجتماعی، حاکمیت قانون و ارزش‌های مردم‌سالارانه همچو مارشال فهمید در درون و بیرون حکومت داریم چون این رهبران به خوبی می‌توانند قدرت را با قدرت مهار کنند، جلو انحصارطلبی و فزون‌خواهی را بگیرند و زمینه را برای گذار به دموکراسی واقعی مساعد بسازند ازین رو همین حالا نیز باید قدر رهبران مقتدر که در راستای حفظ ارزش‌های انسانی و عدالت اجتماعی در کشور فعالیت و ایستادگی می‌کنند و توانایی مهار زورگویی و خودکامگی را دارند را باید دانست. یاد و خاطره مارشال مرحوم مانا باد.

بونوچی:

کمی عصبی بودیم و از آرسنال ترسیدیم



کاپیتان روسونری معتقد است که هم تیمی‌هایش به ویژه بازیکنان جوان تیم در بازی شب گذشته از نام آرسنال ترسیده بودند.

تیم فوتبال میلان شب گذشته در دور رفت از مرحله یک‌هشتم نهایی لیگ اروپا در ورزشگاه سن‌سیرو با نتیجه ۲ بر صفر مغلوب آرسنال شد تا نوار ۱۳ بازی بدون شکست این تیم قطع شود. در حالی که جنارو گتوسو، سرمربی میلان این شکست را حاصل اشتباهات سهوی بازیکنانش دانست، کاپیتان روسونری «ترس» را عامل اصلی شکست خانه‌گی این تیم برابر توپچی‌های لندن عنوان کرد.

لئوناردو بونوچی به شبکه تلویزیونی «اسکای اسپورت ایتالیا» گفت: روحیه لازم برای این دیدار را نداشتیم و از آنجایی که تیم به نسبت جوانی هستیم، از آرسنال کمی ترسیدیم. امیدوارم از این شکست درس بگیریم. کارمان سخت است، اما باید در بازی برگشت تمام تلاش خودمان را به کار بندیم. در فوتبال هر اتفاقی ممکن است رخ دهد، بنابراین باید مثبت فکر کنیم.

او افزود: بازیکنان آرسنال کیفیت بالایی دارند و در این دیدار دونده‌گی بالایی داشتند، اما ما نیز مرتکب اشتباهاتی شدید. ما به صورت گروهی بازی نکردیم و باید با هوشیاری و با مسوولیت بیشتری بازی می‌کردیم. کمی عصبی و هیجان‌زده بودیم و همه به نوعی مرتکب اشتباهاتی شدید. در نیمه دوم با شجاعت بیشتری بازی کردیم، اما کافی نبود. باید برای آرسنال که نیمه اول فوق‌العاده بود هم احترام قایل شویم. مدافع و کاپیتان میلان خاطر نشان کرد: اگر بازی که در نیمه دوم ارائه دادیم را در لندن تکرار کنیم، می‌توانیم برای کسب نتیجه مورد نظر امیدوار باشیم.

ونگر:

پیروزی بزرگی به دست آوردیم، اما هنوز کار تمام نشده است



سرمربی آرسنال از پیروزی تیمش خوشحال است اما کار را تمام شده نمی‌داند.

آرسن ونگر، سرمربی آرسنال پس از برتری ۲ بر صفر تیمش در خانه میلان در دور رفت مرحله یک‌هشتم نهایی لیگ اروپا از برتری تیم لندنی ابراز رضایت کرد، اما کار صعود را تمام شده ندانست.

او اظهار داشت: پس از هفته‌ی کابوس‌وار برد مهمی به دست آوردیم. در مجموع، بردن مهم است، اما صعودمان قطعی نشده. باید کار را در خانه تمام کنیم. از روحیه تیمی و پاسخی که به اوضاع اخیر دادیم، خوشحالم. در موقعیت ریسک نبودیم، اما نمی‌توانستیم بیش از حد هم محتاط باشیم چون در این صورت ریتم بازی ما به هم می‌ریخت. با انعطاف و تطبیق پذیری بالا تا پایان بازی به خوبی دفاع کردیم.

او در ادامه افزود: قبول شکست در فینال یک جام دشوار است. وقتی مثل یک بوکسور ناکاوت می‌شوید، زمانی برای واکنش نشان دادن ندارید و حالت نیمه جان دارید، اما به هر شکل ممکن باید خیلی زود به شرایط عادی برگردید. موظف هستید در زمین انگیزه و غرور خودتان را نشان دهید. پیروزی بزرگی به دست آوردیم، اما هنوز کار تمام نشده و بازی برگشت در خانه هم به اندازه کافی حساس است، چون میلان تیمی بسیار حرفه‌ی نشان می‌دهد.

Mandegar

حمله انتحاری در کابل

دست کم ۹ کشته برجا گذاشت

ارگ ریاست جمهوری حمله به گردمایی را محکوم کرده است. در پیام ارگ در صفحه رسمی فیسبوکش آمده است: «هدف قراردادن مردم و تجمعات آنان، جنایت ضد بشری بوده و در مغایرت با ارزش‌های اسلامی و حقوق بشری قرار دارد و عاملین آن مستحق شدیدترین مجازات اند.» در پیامی به رسانه‌ها گروه طالبان گفته است که حمله به غرب کابل کار این گروه نبوده است.

در حمله انتحاری در کابل دست کم ۹ تن کشته و ۱۸ تن دیگر مجروح شده اند. صدها تن دیروز (جمعه ۹ مارچ) برای بزرگداشت از سالروز مرگ، عبدالعلی مزاری، رهبر فقید حزب وحدت ملی جمع شده‌اند. حمله ساعت ۱۱:۳۰ در نزدیکی همین گردمایی رخ داده است. مقام‌های پولیس می‌گویند که حمله زمانی رخ داده است که محمد محقق، معاون دوم ریاست اجرایی و یکی از رهبران هزاره در حال سخنرانی بود.



© picture-alliance/dpa/M. Kapp



آلمان به افغانستان نیرو می‌فرستد

ماموریت‌ها باید در بوندستاگ یا پارلمان بحث می‌شد. او گفته است که وضعیت امنیتی در افغانستان رو به خرابی نهاده است. به گفته او حمایت در بخش بازسازی پولیس و اردوی افغانستان مطمئناً چیز مفیدی خواهد بود، اما تنها یک جنبه از توسعه الزامی را نشان می‌دهد. او می‌گوید: «خیلی مهمتر فعالیت‌های ملکی هستند که باید مورد حمایت قرار گیرند و باید به ویژه مردم محلی در بخش توسعه کمک شوند.»

آلمان از سال ۲۰۰۲ بدین سو از افغانستان برای ایجاد نیروی پولیس پایبند به دولت و قانون اساسی حمایت می‌کند. این کار در چهارچوب یک پروژه دوجانبه و به عنوان بخشی از ماموریت پولیس اتحادیه اروپا موسوم به «یوپول» صورت می‌گیرد.

زیگورد رینگ، اسقف در اردوی آلمان اما تمديد و گسترش ماموریت‌های خارجی اردوی آلمان را استقبال کرده است. او در ارتباط به ماموریت اردوی آلمان در کشور افریقای مالی و در افغانستان گفته است که هدف این بود که ساختارهای دولتی دوباره بازسازی گردند که اردوی آلمان از عهده این ماموریت برآمده می‌تواند. او در جریان سفرهایش به افغانستان و مالی، این احساس را پیدا کرده است که سربازان آلمانی در تمام سطوح خدماتی در پشت ماموریت شان ایستادگی دارند. اما او انتقاداتی به ویژه در قبال مشکلات تجهیزاتی کرده می‌گوید که «این مردان و زنان برای اجرای دستور پارلمان کشور شان در شرایط نامساعد زندگی شان را در معرض خطر قرار می‌دهند. در چنین حالتی باید همه چیزها به طور مناسب کار کنند.»

کابینه حکومت آلمان فدرال با تصویب چند ماموریت اردوی فدرال این کشور، افزایش شمار سربازان در افغانستان را نیز تایید کرد. کمیسار امور صلح کلیسای پروتستانت آلمان این تصمیم کابینه را شدیداً انتقاد کرده است. کابینه فدرال آلمان روز چهارشنبه ماموریت بعدی سربازان این کشور را در عراق و تمديد پنج ماموریت خارجی دیگر اردوی آلمان را به تصویب رساند. بر اساس پیش نویس این قطعنامه، وظایف سربازان آلمانی در چوکات ائتلاف بین المللی علیه شبه نظامیان تروریست «دولت اسلامی» در عراق به طور قابل توجهی تغییر می‌خورد. ماموریت سربازان آلمانی در عراق بیشتر آموزش نیروهای عراقی در سراسر این کشور و مشوره دهی حکومت مرکزی عراق عنوان شده است.

در افغانستان قرار است نیروهای بیشتر آلمانی استقرار گردند. کابینه حکومت آلمان فیصله کرده است که سقف نهایی نیروهای آلمانی در افغانستان از ۹۸۰ سرباز فعلی به حدود ۱۳۰۰ سرباز افزایش یابد.

رینگ برامس، کمیسار امور صلح کلیسای پروتستانت آلمان، فیصله کابینه فدرال آلمان در قبال ماموریت های خارجی اردوی این کشور را مورد انتقاد قرار داده و گفته است که «این یک بار دیگر این مشکل را نشان می‌دهد که هنوز هم ارزیابی و بحث مفصل درباره معنی و هدف ماموریت‌های خارجی اردوی آلمان وجود ندارد.» او در ادامه گفته است که یک نوع درماندگی به نظر می‌رسد. به باور برامس «استقرار سربازان بیشتر در افغانستان مشکل اساسی را حل نمی‌کند.» برامس همچنین گفته است که گسترش و تشخیص این

حالا میتوانید تازه ترین خبرهای افغانستان را از طریق SMS پژواک به دست آورید

روزانه: برای پشتو ۵، برای دری ۶ و برای انگلیسی ۷ را به ۵۱۲ ارسال نمایید ۲ افغانی

هفته وار: برای پشتو ۸، برای دری ۹ و برای انگلیسی ۱۰ را به ۵۱۲ ارسال نمایید ۱۰ افغانی

ماهوار: برای پشتو ۱۱، برای دری ۱۲ و برای انگلیسی ۱۳ را به ۵۱۲ ارسال نمایید ۳۰ افغانی

این پیشکش در سهم کارت های سلام قابل دسترس میباشد | برای غیر فعال کردن D و کد بسته نا ترا به ۵۱۲ ارسال نمایید

موسسه تحصیلات عالی خورشید

حقوق اقتصاد

مؤسسه تحصیلات عالی خورشید
Khurshid Institute of Higher Education
توانا بود هر که دانا بود

اقتصاد و تجارت | اداره و تجارت

ثبت نام جریان دارد

+93 (0) 700 34 11 11
+93 (0) 766 23 23 75
www.khurshiduniversity.com
info@khurshiduniversity.com

چهار راه لب جر. خیر خانه، کابل